



نگار

گفت‌وگو با دکتر علی خزاعی فر به انگیزه انتشار نخستین مجموعه داستانی اش

می خواستم شیرینی لهجه مشهدی را نشان دهم



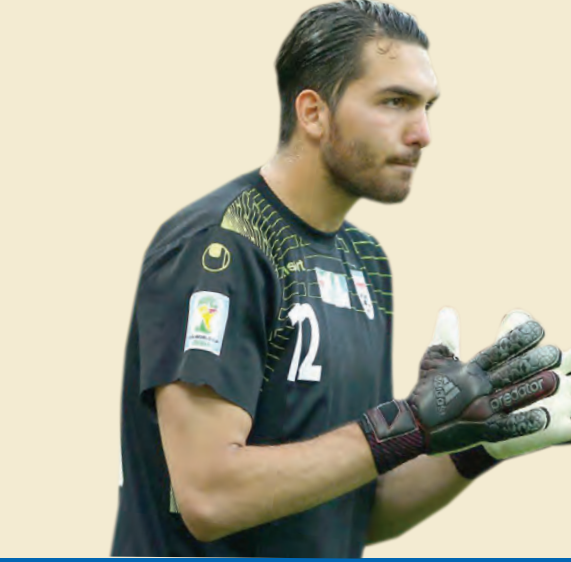
ورزش

خداداد ضمن مخالفت با قانون جذب بازیکن خارجی:

مشکل اصلی، مدیران تیم‌های دولتی هستند

علیرضا حقیقی:

بعضی‌ها استقلال‌ی بودند و برای پول به پرسپولیس آمدند



داورزنی: برای لیگ برتر ۱۰ و ۱۲ تیمی آماده هستیم

خط و نشان محکم برای بدهکاران والیبال

مجاز آباد

این موقع شب؟

حالا ممکن است امروز و فردا خیلی‌ها بنویسند اتفاقی که دیشب در لایو احسان علیخانی با مشاور وزیر بهداشت افتاد، مثل خیلی از صحنه‌های برنامه عصر جدید، برنامه‌ریزی شده بود نه بداهه و آتی. اما در هر حال جالب بود که ساعت ۱۲ شب، وسط ارتباط زنده، یکباره مشاور وزیر بلند شود، در اتاق را باز کند و گوشی را بدهد دست وزیر بهداشت تا چشم‌های احسان علیخانی گرد شود که: «مگه میشه وزیری این موقع شب در محل کارش شب‌باشه؟! البته وقتی مشاور وزیر، ساعت ۱۲ شب سرکارش است، لایو خود وزیر هم هست!»



توحید توهم نیست

پس از پخش سخنان تقطیع شده‌ای از حجت‌الاسلام حامد کاشانی که در برنامه تلویزیونی «ماه من» اصل «توحید» را توهم می‌خواند، فضای مجازی پر شد از انتقاد و حمله به این روحانی جوان. این در حالی بود که حامد کاشانی، توحید بدون پذیرش اصل ولایت را توهم خوانده بود. او روز گذشته دوباره در برنامه «ماه من» حاضر شد و درباره سخنان شب قبلش توضیح داد تا خیلی از کاربران فضای مجازی به دفاع از این روحانی بپردازند.



شاید احتکار

بازار آشفته موبایل، وزیر ارتباطات را هم وادار کرد در پاسخ به کامنت یکی از کاربران توئیتر توضیحاتی را در حساب کاربری‌اش منتشر کند. چه‌رمی در پاسخ به این کاربر، وعده پیگیری موضوع را از وزیر صمت داد و در توئیتر خود نوشت: «از وزیر صمت می‌پرسم، اما احتمالاً به دلیل تعطیلی کارخانه‌های تولیدی در کشور، تولیدکننده‌های مثل کره جنوبی و چین، واردات کاهش داره. البته تا دو روز پیش، آمار واردات نشون می‌داد ۴/۱ میلیون گوشی وارد شده... شاید کمی هم احتکار باشه، البته اطمینان ندارم.»



آسمان همه جا یک رنگ است

درست و غلطش با خودشان اما مدیران یک کانال تلگرامی تصویری از صف فقرای سوئیس برای دریافت غذا در روزهای کرونا را منتشر کرده و نوشته‌اند: «آسمان خدا همه جا یک رنگ است. باور کنید یا نکنید، واقعیت همین است. اگر باور نمی‌کنید، چون نرفته‌اید و ندیده‌اید و فیلم زیاد دیده‌اید. اینجا سوئیس است، شهر بانکا و مساحت‌های دست‌ساز نراقیمت و جایی که در نظر بیشتر مردم جهان، بهشت روی زمین و یک نظام بی‌عیب و نقص بر آن حاکم است. در شهر ژنو، از ساعت ۳ صبح در صف دریافت غذای رایگان ایستاده‌اند. آن هم دولت نداده، یک جمعیت خصوصی بین فقرا توزیع کرده است.»



نگاهی به ماجرای بازداشت پویان مختاری

حالا نوبت سایت‌های شرط بندی است



محمد تربت‌زاده | بحران اقتصادی، بیماری کرونا، تورم

دهه‌ها مورد دیگر که این روزها گریبانگیران شده‌اند، دخل خیلی‌هایمان را شرمند خرجمان کرده است. در روزهایی که خیلی‌هایمان به‌خاطر شیوع کرونا بیکار شده‌ایم، برخی‌هایمان زیر فشار اقتصادی کمر خم کرده‌ایم و انواع و اقسام مشکلات اقتصادی کردار را به استخوانمان رسانده‌اند. سایت‌های شرط بندی هم یکی پس از دیگری مثل قارچ در بستر اینترنت رشد کرده‌اند. سایت‌هایی که با سواستفاده از مشکلات اقتصادی، به مخاطبانشان وعده پولدار شدن از طریق شرط بندی را می‌دهند. این سایت‌ها یک راهبرد مشترک دارند و آن اینکه به مخاطبانشان پیشنهاد می‌کنند مبلغ نه چندان بالایی را در سایت، شرط بندی کنند. مخاطبان هم لایه پیش خودشان دو دوتا چهارتا می‌کنند که اگر ببازند چیزی را از دست نمی‌دهند اما در صورت پیروزی، یک‌کشیه میلیاردر خواهند شد. در پشت پرده این سایت‌ها اما اتفاقاتی در جریان است که باخت کاربران را برای مدیران سایت مسجل می‌کند.

کمپین‌های انتقادی

حاشیه‌های مربوط به این ماجرا زمانی در فضای مجازی سروصدا کرد که تتلو فراخوان راهاندازی حرمسرایش را در اینستاگرام منتشر کرد. از آن زمان موجی منفی علیه فعالان شرط‌بندی خارج‌نشین در فضای مجازی راه افتاد که منجر به کلید خوردن کمپین‌های مجازی برای دستگیری فعالان این حوزه شد. موج انتقادهای از رفتار نامتعارف و غیراخلاقی فعالان شرط بندی در فضای مجازی فقط به کشور خودمان محدود نمی‌شد و چندین روزنامه‌نگار ترک زبان که در ترکیه به ستاره آمده بودند، کمپینی بین‌المللی برای بازداشت این افراد راهاندازی کردند. هرچند عمده درخواست‌ها برای بازداشت امیر تتلو بود اما بخشی از کاربران هم محاکمه «پویان مختاری» را خواسته بودند.

آغاز سقوط

پویان مختاری یکی از خوانندگان ایرانی است که چند سال پیش قبیله‌ای از خوانندگانش به زبان بختیاری در فضای مجازی منتشر شد که پس از بازخورد مثبت آن در میان کاربران، تصمیم گرفت نقشه‌کشی ساختمان را کنار بگذارد و بزند توی خط خوانندگی. پویان مختاری اوایل کار موسیقی پاپ را با موسیقی محلی بختیاری و موسیقی رپ غربی تلفیق می‌کرد و فرمول خاص خودش را برای خوانندگی داشت و در میان بختیاری‌ها هم حساسی طرفدار پیدا کرده بود. چند صباح پس از شهرتش در میان مردم اما همزمان با آغاز سال ۹۷ بار و بندیش را جمع کرد و به ترکیه رفت و در اینستاگرامش اعلام کرد قصد ندارد دوباره به ایران برگردد. مهاجرت این خواننده به ترکیه، آغاز سقوط او در همه زمینه‌ها بود. پویان مختاری که به عنوان یک خواننده تلفیقی حساسی خودش را در مرد دل جا کرده بود، بلافاصله شروع به رفتارهای عجیب و غریب برای جذب فالوور در اینستاگرامش کرد. از نیمه برهنه شدن بغیر تا خاکبویی‌های عجیب و غریب، روابط غیراخلاقی و

دل‌دلی برای سایت‌های شرط بندی

سایت‌های شرط بندی فارسی زبان به قدری باسطان را در اینترنت گسترانده‌اند که امکان ندارد وارد سایت‌های پر بازدید شوید و تبلیغات این سایت‌ها در گوشه و کنار آن به چشمتان نخورد. ماجرا اما فقط به تبلیغات مجازی در سایت‌های پر بازدید خلاصه نمی‌شود و مافیای شرط بندی در ایران، تعدادی از اینفلوئنسرها و شاخ‌های اینستاگرامی و خواننده‌های خارج‌نشین را هم خریده و از طریق آن‌ها به طور غیرمستقیم مخاطبان را به سمت شرط‌بندی در این سایت‌ها می‌کشاند. ماجرای باز شدن پای شاخ‌های اینستاگرامی و تعدادی از خواننده‌ها و فوتبالیست‌های معروف به سایت‌های شرط بندی هم قصه خودش را دارد! فعالان و افشارگان مجازی می‌گویند کسانی مثل تتلو، ساشا سبحانی، پویان مختاری و پیام صادقیان مبالغه‌سنجینی را از مدیران سایت‌های شرط‌بندی دریافت می‌کنند تا مخاطبان صفحه‌هایشان را تشویق به حضور در این سایت‌ها کنند.

حکایت امروز

سید قره‌فروش



قدس زندگی / اسید قره‌فروش در مشهد را بدون شک خیلی‌ها شناختند. هر روز با یک دوچرخه قدیمی به میدان شهدا می‌آمد و بساط می‌کرد. نخ، دمک، سوزن و... را می‌ریخت گوشه پیاده‌رو و می‌فروخت. حجت الاسلام مهدی یادگاری - استاد حوزه و دانشگاه - درباره این بنده خوب خدا که هفته پیش در ۹۹ سالگی فوت کرد به «فارس» گفته است: «مرحوم سید مرتضی موسوی (سید قره‌فروش) اهل توحید عملی، فردی بی‌الایش و بسیار اهل توکل بود... سید همیشه می‌گفت اگر انسان خدا را به عنوان کفیل خود باور داشته باشد و یقین کند خدای مهربان او را خلق کرده و کفالت زندگی او را برعهده گرفته، هیچ وقت دست خود را در خانه دیگری دراز نمی‌کند.

مشکل ما این است که باور نداریم... پیرمردی که در ظاهر فقط قره‌فروش بود و نخ و شانه می‌فروخت، اما جمعیت بسیاری را سرفه‌داری می‌کرد آن هم نه سرفه‌داری مانند برخی از ما که حساب و کتاب می‌کنیم... سید موسوی با توحید کاسبی نکرد بلکه زندگی کرد. با کراماتی که خدا به او عنایت کرده بود هر کسی می‌توانست ادعاهایی داشته باشد و مریدانی برای خود جمع کند، اما او از این مسائل فراری بود و در میدان شهدا بساط می‌کرد... سید متصل بود... به‌خاطر اینکه اهل علم و یقین بود خدا به او عنایت داشت... یکی از اساتید ما که قریب به اجتهاد هم هستند خواستند سید را ببینند در مسیر منزل سید، این استاد از تمایلیش به زیارت مدینه و حج گفت... وقتی در منزل سید رسیدیم پس از صحبت و عرض ادب، سید پس از دو نکته توحیدی که به استاد ما یادآوری کرد، گفت شما غصه نخورید ان‌شاءالله به زودی حج عمره نصیب شما می‌شود، بروید مهیا شوید، چندی بعد در روز شهادت حضرت زهر(س) مدینه بودم و استاد را در کنار دیوار بقیع دیدم... مردم شهر ما باید بدانند بزرگان و کسانی که اهل حقیقت توحید هستند در زمانی که دکان‌های اخلاقی و عرفان‌های نوظهور زیاد است و دعوت به خود می‌شود، هنوز هم هستند کسانی که با یک گریه و دعای آن‌ها بلا از مردم دور می‌شود.

سید قره‌فروش در واقع همان «رجعیلی خیاط» مشهدی‌هاست که از او پنج فرزند هم به جا مانده است. پسرش - عباس - درباره پدر می‌گوید: «ما به این باور رسیدیم کسب این مقامات آقا جان فقط به‌خاطر سخاوت او بود، چرا که هر آنچه داشت به نیازمندان می‌بخشید و ما انتظار آن را نداشتیم». سید عباس می‌گوید: «به یاد دارم بارها به خانه می‌آمد در حالی که کفشی به پا نداشت، وقتی علت را می‌پرسیدیم می‌گفت به فردی که نیاز داشت، داده».

روزمره نگاری

بگذاریم صفت‌ها باد بخورند

رقیه توسلی: هر وقت کسی را می‌بینم که دل و جرتش قشنگ است، یادش می‌آیم... هر وقت پرده‌های خاک گرفته‌ها، زبان‌درازی‌شان می‌گیرد... و حرف درهای نسک که نمی‌شوم. هر وقت کسی حس شوخ‌طبعی‌اش گل می‌کنند. ۱۰۰ تا بیشتر را پشت فرمان که پُر می‌کنم.

اسم بستنی که می‌آید وسطا... توی دشت و کوه، چشمم می‌افتد به رمه چوپان‌دار و هر وقت که به‌شدت فکرم حول محور «علی» می‌چرخد که «بهاره» بی خبر از همه جا نوز می‌اندازد توی خلوتم و شماره‌ام را می‌گیرد. بعد چاق سلامتی همیشگی می‌پرسم: حالا که با پای خودت آمدی بگو ببینم، شما کی‌ها یاد من می‌آفتی رفیق؟ می‌زند زیر خنده و می‌گوید: ای به چشم عزیزم... فقط مطمئن نیستم طاقت شنیدنت بالا باشد یا نه؟

خاطر جمعش که می‌کنم تحمل کم نیست، تخته گاز می‌گوید: الله وکیلی، وقت‌هایی که از بغل شهر کتاب رد می‌شوم، توی جمع‌ها چفت کسی می‌نشینم که دو ساعت ضم تکم است، مادرم مریای گل محمدی که می‌فرستد، هر وقت شخصی را می‌بینم که زود به تریج قیایش برمی‌خورد، توی هابیر دستکش یکبار مصرف که برمی‌دارم، به گلدان گل قارکون که آب می‌دهم، حلزون‌ها را هر جای عالم که ببینم، پای صحبت کسی که دارد از موجودی گلابی می‌کند که ۱۰ روز در میان جواب تلفن‌ها را نمی‌دهد، به کسی برسم که اصولاً دور این دعا را دوست داری. ادای لاک‌پستی را درمی‌آورم که توی لاکش فرو نرفته و معمولی از هم خداحافظی می‌کنیم.

به محض تنها شدن اما صفات نسبت داده شده را مرور می‌کنم و می‌شوند آینه‌دق‌ام. حساسیت، اسراف، معاشر نبودن، حساسی دور سرم می‌چرخند. نمی‌توانم به خودم نهیب نزنم که: کجای دنیا ایستاده‌ای سر به هوا؟ باید دعا کنم، باید خودم را عوض کنم. می‌خواهم وسط این همه کشف‌الاسرار، بنویس بالشت‌هایی را که گذاشته‌ام باد بخوردنم برگردانم توی کمد که باز یادش می‌آیم. یاد او که می‌گفت: آچی همه را بریز روی دوش من، سه سوته می‌چینم برایت، بجنب فس فسو شب شد. یاد برداری که به گواهی تراژو، مهربانی‌هایش همیشه پرویمان است. سؤال: راستی یقین شما را چه جور یاد می‌کنند؟ خوب، بد، زشت؟ نویسنده نوشت: «آچی نمی‌تک، فرمایش می‌کند راز کامیابی در دانستن چیزی و در خوب دانستن آن است. به اعتقاد من خیلی گل گفته‌اند.



میراث نیکان

annotation@quodsonline.ir
حسن احمدی فرد، روزنامه‌نگار و پژوهشگر

نفس باد صبا

در فرهنگ کهن ما مردم، باد بهاری، جان‌بخش و زنده‌کننده است؛ همین باد است که در هنگامه بهار وزیدن می‌گیرد و طبیعت مرده را زندگی دوباره می‌بخشد.مهم‌ترین جلوه این باد اما نسیمی است که در صبح‌های بهاری می‌وزد و ششادی اور و جان‌فراست، «باد صبا»نوبدبخش زندگی دوباره‌ای است که بهار آن را برای زمین به ارمغان آورده است.

نفس باد صبا مشک‌فشان خواهد شد

عالم پیر دگرپاره جوان خواهد شد

ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد

چشم نرگس، به شقایق نگران خواهد شد.

باد صبا به تنهایی نماینده بخش وسیعی از باورهای کهن ایرانی و اسلامی ماست. پیشینه حضور این باد در ادبیات ایران‌زمین، قدمتی به اندازه عمر ادب فارسی دارد. باد صبا، مسیحا دم است و پیغامبر عاشقان و بازکننده بند قیای غنچه‌ها. باد صبا، باد انبوه تشبیهات و استعاره‌ها، یکی از پرذمته‌ترین مضامین در ادب فارسی است و برای همین‌هاست که می‌تواند معرف فرهنگ و ادب ایران‌زمین باشد.

«البر لاموریس» مستندساز پروازره و صاحبسبک فرانسوی وقتی در سال ۱۳۴۷ تصمیم می‌گیرد مستندی درباره ایران بسازد، همین باد را به عنوان روی قشه انتخاب می‌کند. مستند «باد صبا» هنوز هم یکی از دیدنی‌ترین و در عین حال تاریخی‌ترین مستندها درباره ایرانی‌ها و ایران زمین است. .

در باورهای کهن، باد صبا که زمین بی‌جان را بارور می‌کند، ماهیتی مردانه دارد و درست از همین منظر در مقابل «باد شمال» قرار می‌گیرد که با ماهیت زنانه‌اش، نماد سرما و خزان است. اساساً در باور ایرانی، گرما و تابستان مرانه و سرما و زمستان زنانه دانسته می‌شود. جالب آنکه در فرهنگ مردم خراسان، هنوز هم «شمال» و «شمال خوردن» به معنای سرما خوردن به کار می‌رود و از آن برهیز داده می‌شود.

تقابل دو باد صبا و شمال البته یادآور کارکردهای کهن «اسطوره باد» هم هست. در ایران باستان، ایزد باد(وات، وای، ویو) شخصیتی دوگانه دارد. او «در ابر باران‌زا، زندگی می‌آورد و در توفان، مرگ. بر گردونه تیزرویی که آن را هزار اسب می‌کشند، سوار است. اوست که نوره‌ای گلگون یعنی برق را ایجاد می‌کند و سینه‌دهم را هویدا می‌سازد.»

(شناخت اساطیر ایران / جان هینلز / در ترجمه ژاله آموزگار – احمد تقضلی / صفحه ۲۴)

به باور پیشینیان، باد صبا از جایی در آسمان، حوالی ثریا(خوشه پروین) و بنات‌النعل(هفت ستاره ملاقمانند در صورت فلکی دب اکبر) سرچشمه می‌گیرد و هم از این رو، «باد برین» هم خوانده می‌شود. چنانچه در گزگ دینش و سحری رو به قبله(که با اغماض این را رسمت جنوب دانست) بایستیم؛ باد صبا، همان نسیم خنکی است که از پشت سر می‌وزد. پدران و مادران ما اعتقاد داشتند(که باد صبا از عرش الهی سرششمه می‌گیرد و برای همین هم در هنگام سحری که درهای آسمان باز است، می‌وزد) «گفت خدای عزوجل را است که آن را باد صبح گویند، که آن باد مخزون است در زیر عرش. وقت سحر وزیدن گیرد و ناله و استغفار بگیرد و به ملک جبار رساند.»

(تذکرهالاولیا/ تصحیح دکتر محمد استعلامی / صفحه ۴۹۷)

نیز در باور عرفا، باد صبا جلوه‌ای از «نفحات رحمانیه» است که از «مشرق روحانیت» می‌وزد؛ همچنان که همین باد بود که بوی اویس قرنی را از

یمن به مشام حضرت رسول(ص) می‌رسانید؛

«گاهگه خواجه عالم- علیه‌الصلوه و‌السلام- روی نسوی یمن کردی و گفتی: انی لأجد نفسَ الرَّحمنِ من قبِل الیمن؛ یعنی نفس رحمان از جانب یمن همی یابم.»

(همان / صفحه ۱۷)

در باورهای اسلامی، باد صبا همان بادی دانسته شده که در جنگ احزاب در کمک لشکریان اسلام آمد و خیمه و خرگاه دشمنان را درهم کوبید. در داستان‌های عرب به گفت‌وگویی اشاره شده که میان باد صبا و باد شمال رخ داده است؛ «این مردویه در تفسیر خویش از ابن عباس رضی‌الله‌عنه نکته غریب آورده» که در لیله‌الاحزاب، باد صبا با باد شمال گفت: بیا تا برویم و رسول خدا را یاری دهیم. باد شمال گفت در جواب باد صبا: ان العَرَه لاتسیر باللیل؛ زن اصیل سیر نمی‌کند در شب؛ پس حق تعالی بر باد شمال غضب کرده، وی را عقیم گردانید. پس بادی که در آن شب نصرت رسول خدا کرد، باد صبا بود…»

(کشف‌اصطلاحات‌الفنون و‌العلوم/التی‌الهی/ چاپ بیروت/ صفحه ۱۰۵۷)

باد صبا در صبح‌های بهاری می‌وزد و این روزها که ماه مبارک رمضان با بهار برابر شده، فرصتی فراهم آمده تا ما، حتی در زندگی محدود

آپارتمانی، بتوانیم از این باد اساطیری بهره بگیریم.

ادب و هنر / جواد شیخ الاسلامی | به‌تازگی

مجموعه داستان «تک‌خوان» نوشته دکتر علی خزاعی فر، نویسنده، مترجم و زبان‌شناس مشهدی منتشر شده است.

تک‌خوان مجموعه ۱۵ داستان است که در اوایل دهه ۴۰ در مشهد اتفاق می‌افتد.داستان‌ها از زبان پسرپچه‌ای هفت یا هشت ساله روایت می‌شود و گفت‌وگوها به لهجه مشهدی است.

تأکید خزاعی فر به لهجه مشهدی، مکان‌های تاریخی چون قبرستان «گلشور»، سبک زندگی، فرهنگ و هویت مشهدی‌ها از جمله پرداختن به «شلمه‌مشهدی» و… از شاخص‌هایی است که در تغییرمسان می‌کند تا اثر این داستانی را بدون تسلط تکنیک‌های پیچیده فرمی، ادبی و داستانی در نظر بگیریم.

مجموعه داستانی «تک‌خوان» زمستان ۹۸ توسط نشر شیرباد منتشر شده است.

به همین بهانه گفت‌وگویی را با دکتر خزاعی فر ترتیب داده‌ایم تا از دغدغه‌هایش که موجب نگارش این مجموعه داستانی شده است، برایمان بگوید. دکتر علی خزاعی فر، محقق، مترجم، نویسنده و استاد زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد است. او در رشته ادبیات انگلیسی و آموزش زبان کارشناسی و کارشناسی‌ارشد گرفت. برای ادامه تحصیل و دکترا به انگلستان رفت. در این کشور از دانشگاه بومیست مدرک دکتری زبان‌شناسی گرفت. عمده فعالیت‌های دکتر خزاعی‌فر به ترجمه ادبی در ایران معطوف شده است.

گفت‌وگوی ما با این مترجم و نویسنده به انگیزه انتشار نخستین مجموعه داستانی‌اش، بخوانید.

نخستین پرسشی که درباره شما و نوشتن این مجموعه داستان به ذهن می‌رسد این است که چرا در دهه ششم زندگی و پس از تجربه‌های گوناگون در ترجمه، دست به تألیف زده‌اید؟

حقیقت این است که تا پیش از اینکه خودم را بازنشته‌کنم درگیر دانشگاه‌بوم، نوشتن تمرکز و تعهد می‌خواهد. نویسنده باید بتواند تمام‌وقت در اختیار قلمش باشد، البته نوشتن خیلی چیزهای دیگر می‌خواهد. از جمله تجربه زندگی که مایه نوشتن است. به قول معروف، بی‌مایه‌ظفیر است. باید معانی جمع شود.

این اثر را با رهاوردی که از ترجمه به دست آورده‌اید نوشته‌اید یا صرفاً کاری فنی و خاطرهبازی با مشهد و لهجه‌مشهدی است؟
خوب، من نمی‌کنم ارتباطی بین تحارب من در ترجمه و این اثر تألیفی باشد. این کتاب مجموعه خاطرات نیست، بلکه همه داستان‌های آن حاصل تخیل است. همه آدم‌ها هم تخیلی‌اند؛ از جمله خود راوی که ظاهراً خود نویسنده است. به اعتقاد من این داستان‌ها مایه ادبیات دارند و به هر زبانی قابل ترجمه‌اند، ولی چون گفت‌وگوه‌ای داستان‌ها به لهجه مشهدی نوشته شده، وجه مشهدی داستان‌ها بیشتر از وجه ادبی آن به

گفت‌وگو با دکتر علی خزاعی فر به انگیزه انتشار نخستین مجموعه داستانی‌اش

می‌خواستم شیرینی و قابلیت‌های بیانی لهجه مشهدی را نشان دهم



آنگاه لهجه می‌تواند بر شیرینی و تأثیر زبان و اصالت شخصیت‌های داستان بیفزاید. پس خود لهجه فی‌نفسه و در شکل خامش ارزش ادبی ندارد. نویسنده باید مصالح این لهجه را به شکلی خلاق به کار بگیرد و در سینما هم همین‌طور است. اگر فیلم‌سازی بخواهد صرفاً به اتکای لهجه خنده ایجاد کند یا حس بومی ایجاد کند، چندان در کارش موفق نخواهد بود.

یکی از ویژگی‌های ادبیاتی که متوجه لهجه است، طنز موجود در کلام است، به گونه‌ای که احساس می‌شود نمی‌توان در این گونه آثار حرف‌های جدی زد. با این گزاره موافق هستید یا نه؟

می‌دانم که برخی فکر می‌کنند ادبیات جدی میانه‌ای با طنز ندارد، ولی برعکس جدی بودن حرفی با طنز بهتر منتقل می‌شود. مثلاً در داستان «شله» که در این مجموعه آمده حرفی بسیار جدی وجود دارد. اینکه بخواهی خواننده را بخندانی یا با خنداندن حرفی جدی بزنی دو چیز متفاوت است. درباره اهمیت طنز در ادبیات جدی حرف زیاد است، همین طور که در مورد تعریف طنز اختلاف‌نظر وجود دارد. ولی همین را بگیریم که نویسنده این هفته با داستان طنز کرده و نویسندگانی که طنز را چاشنی کارشان می‌کنند، بهتر قادرند توجه خوانندگان را جلب کنند.

در مجموعه «تک‌خوان» گفت‌وگوها را به لهجه مشهدی نوشته‌اید که بسیار شیرین هم هست. نظر تان در مورد لهجه چیست و چگونه می‌شود از لهجه مشهدی حمایت کرد؟

لهجه اهمیت دارد، چون آدم لهجه را در بچگی



براش

معلوم نیست چرا آسپینی که به لهجه مشهدی وارد شده نسبت به لهجه شهرهای دیگر این‌قدر شدید بوده است. علت این آسپیب قطعاً اجتماعی یا فرهنگی است و به ماهیت زبانی این لهجه مربوط نمی‌شود. چون اتفاقاً غیرمشهدی‌ها آهنگ لهجه مشهدی را خیلی دوست دارند.

بله، درپچه دیگری در زندگی من باز شده است. من پس از بازنشتگی تصمیم گرفتم به نوشتن داستان روی بیابوم و به جز این مجموعه داستان، یک رمان نوشته‌ام و در حال حاضر مشغول انجام تحقیقات در مورد رمانی دیگر هستم.وجه‌مشترک این دو رمان این است که واقعاً آن‌ها هم در مشهد اتفاق می‌افتد. خیلی دوست دارم مشهد صحنه وقایع ادبی شود و اسامی خیابان‌های مشهد به‌خصوص مشهد قدیم و بسیاری از جنبه‌های فرهنگی این شهر در ادبیات زنده شوند.

به نظر شما آثار یا لهجه‌های مختلف، فقط مناسب همان اقلیم است یا ارزش ترجمه هم دارد؟

ارزش ترجمه، ربطی به لهجه ندارد. مارک تواین کتاب هالکیربی‌فین از لهجه‌های متعدد استفاده می‌کند، ولی این اثر ارزش ادبی دارد

و مرحوم دریندبری آن را به زیبایی به فارسی ترجمه کرده است. پس آنچه ارزش ترجمه دارد، مایه ادبی داستان است. در آثار ادبی، لهجه هدف اصلی نیست، بلکه یکی از ابزارهای نویسنده است.

نویسنده باید نخست مایه ادبی اثر را فراهم کند،

در محیط اطراف خود می‌شود، بنابراین لهجه بخشی از هویت آدم می‌شود. متأسفانه برخی عوامل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجب شدند که نه فقط در مشهد بلکه در تمام شهرهای ایران به نسبت کم یا زیاد آدم‌ها لهجه را کنار گذاشتند و سعی کردند به زبان معیار صحبت کنند. در مشهد این اتفاق در دوران نوجوانی من افتاد و مشهدی‌ها به‌خصوص خانم‌های مشهدی کم‌کم از لهجه فاصله گرفتند. کار به جایی رسید که برخی اصلاً ضدیت با لهجه پیدا کردند و لهجه را با طبقات پایین اجتماع و بازاری‌ها مرتبط دانستند و وقتی لهجه مشهدی با یک گروه خاص پیوند خورد و نه با تمام مردم شهر، این مطلب دستمایه طنز و لودگی شد. کنار گذاشتن لهجه را می‌شود درک کرد. مثلاً بنده که در کلاس درس می‌دهم شاید اگر به لهجه مشهدی صحبت کنم نتوانم تأثیر لازم را ایجاد کنم، چون به هر حال از نظر اجتماعی و فرهنگی لهجه مشهدی آسیب دیده است، ولی ضدیت با لهجه اصلاً قابل درک نیست و معلوم نیست چرا آسپینی که به لهجه مشهدی وارد شده نسبت به لهجه شهرهای دیگر این‌قدر خنده ایجاد است. علت این آسیب قطعاً اجتماعی یا فرهنگی است و به ماهیت زبانی این لهجه مربوط نمی‌شود، چون اتفاقاً غیرمشهدی‌ها آهنگ لهجه مشهدی را خیلی دوست دارند.

شاید نشود لهجه را دوباره به تمام مردم شهر برگرداند، چون شهر دیگر آن یکدستی جمعیتی گذشته را ندارد، اما می‌توان کارکردهای محدودتری برای لهجه تعریف کرد و آن را مثل مراثی ارزشمند حفظ کرد. نخستین کار این است که دیدگاه منفی برخی مشهدی‌ها را در مورد لهجه مشهدی عوض کرد و ضدیت یا بی‌اعتنایی را به نوعی تعصب تبدیل کرد. به نظر من یک راه خوب برای این کار این است که در ادبیات و هنر آنجا که اقتضا می‌کند از لهجه مشهدی استفاده شود.

فرق لهجه مشهدی با زبان معیار فقط این نیست که آهنگ متفاوتی دارد و چند کلمه دارد که در فارسی معیار نیست بلکه لهجه مشهدی بیش از این‌هاست.

تعبیراتی که مشهدی‌ها در بیان افکار و احساسات خود به کار برده‌اند منحصربه‌فرد است و همه تصویری است. یاد هست به پیرمردی گفتم: «بهتون نمی‌داید ۵۰سال داشته باشین، فکر می‌کردم حداقل ۷۰ سال سن دارین»، او گفت:«ها! می‌بینن. مو تو زندگانی خودم خیلی ضرب زدم». من عاشق این تعبیراتم‌ها. می‌بینن. تسو زندگانی ضرب زدم». شیرینی لهجه در همین تعبیرات است. نویسنده یا هنرمندی که می‌خواهد لهجه مشهدی را در اثرش به کار بگیرد باید دنبال این قبیل تعبیرات اصیل باشد.

حتی کسانی که با لهجه مشهدی میانه‌ای ندارند، متوجه این زیبایی‌ها می‌شوند. خیلی‌ها به من گفتندگفت‌وگوهای داستان‌هایت‌را به‌فارسی معیار بنویس، این طوری خیلی‌ها کتابت را نمی‌خوانند. گفتم اصلاً من هدفم این است که شیرینی و قابلیت‌های بیانی لهجه مشهدی را نشان دهم.

شعر وقضای مجازی

چهارمین جلسه مجازی شعر انجمن‌های شعر رضوی



ادب و هنر | چهارمین جلسه مجازی شعر انجمن‌های شعر رضوی سراسر کشور با حضور استانان و شاعران مطرح کشور روز دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ۹۹ سسات ۱۸ در صفحه اینستاگرام مؤسسه آفرینش‌های هنری آستان قدس رضوی برگزار می‌شود.

چهارمین جلسه مجازی شعر این هفته با انجمن شعر رضوی گرگان ارتباط خواهد داشت و موضوع جلسه و شعرخوانی ولادت امام‌حسن مجتبی (ع) است. محمدکاظم کاظمی، مجری جلسه و محمد غفورزاده شفق، استاد جلسه خواهند بود.

این برنامه با میلاد عرفان‌پور ارتباط برقرار خواهد کرد. محمدعلی سالاری‌تالی، نوبد اطاعتی و مرضیه ملکان(مسئول کانون خادامیان شعر و ادب گلستان، میهمانان این شب شعر مجازی خواهند بود.

آگهی تغییرات شرکت آرمان حساب نوس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۶۴۸۷ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۵۲۰۱۷۶

به استناد صور تجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷،۱۰،۲۰ تصمیبات ذیل اتخاذ شد : آقای محسن آزاد به شماره ملی ۰۸۸۹۴۰۵۷۳۵ آقای سید قائم حسینی به شماره ملی ۶۴۴۹۱۱۹۱۵۲ آقای مصطفی نظیف مندی به شماره ملی ۰۹۲۲۰۵۷۱۰۹ به سمت اعضای هیئت مدیره برای مدت دوسال انتخاب شدند آقای سید محسن موسوی به شماره ملی ۰۹۴۴۹۸۱۸۵ به سمت بازرس اسامی و وظائف فاطمه حسینی به شماره ملی ۰۹۳۹۶۶۰۲۱۰ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب شدند . روزنامه کثیرالانتشار قدس جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب شد .

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۸۳۸۰۷۶)

تازه های نشر

مادرانه ترین کتاب مدافعان حرم

انشر شهید کاظمی زندگی‌نامه شهید مدافع حرم زکریا شیری با عنوان «کاش برگردی» مادرانه‌ترین کتاب مدافعان حرم، جدیدترین اثر نویسنده کتاب پرفروش «یادت باشه»، روانه بازار نشر شد.
محمدرسول ملاحسنی، نویسنده این کتاب که پیشتر با کتاب «یادت باشه» نگاهی عاشقانه به زندگی مدافعان حرم داشت، این بار در کتاب «کاش برگردی» در نگاهی تازه، داستان زندگی یکی از شهدای مدافع حرم را از زبان مادر شهید به روایت می‌پردازد و در صفحات مختلف نکات تربیتی یک زندگی ساده را با روایتی داستانی و جذاب تقدیم خوانندگان می‌کند«کاش برگردی» می‌تواند پاسخی هنرمندانه به بسیاری از پرسش‌ها در زمینه نحوه تربیت نسل غیر مدافعان حرم باشد. این اثر توسط انتشارات شهید کاظمی همزمان با نیمه ماه مبارک رمضان و جشن فرخنده میلاد باسعادت کریم اهل بیت امام حسن مجتبی(ع) چاپ و روانه بازار نشر شد.

آگهی تغییرات شرکت پترو نوس طاها شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۸۹۹۹ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۶۵۳۵۸۲

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸،۱۲،۰۵ تصمیبات ذیل اتخاذ شد : ۱ - خانم دنیا دلاور به کد ملی ۰۹۲۵۱۴۹۷۱۳ به سمت نایب رئیس هیئت مدیره خانم آرزو جلالی به کد ملی ۰۹۳۱۵۰۰۱۷۶ به سمت عضو هیئت مدیره و مدیرعامل آقای احمد کاشفی به کد ملی ۰۹۲۲۰۳۰۴۸۰ به سمت رئیس هیئت مدیره ؛ کلبه اسناد و اوراق بیادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته ، پروات، قرارداده‌ها و عقوداسلامی با امضاء رئیس هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد .

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۸۳۸۰۷۵)

آگهی تغییرات شرکت بهسازان رسیبنا پارس کستر سهامی خاص به شماره ثبت ۴۹۸۴۲۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۰۱۹۲۷۰

به استناد صور تجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۹،۰۱،۱۹ تصمیبات ذیل اتخاذ شد : بموضوع شرکت الحاق (تولید و خرید و فروش محصولات غذائی از قبیل انواع سس ، ماکارونی ، انواع رشته های خوراکی ، انواع رب ، انواع کمپوت و کنسرو ، بسته بندی و توزیع آنها در بازارهای داخلی و خارجی و خرید و واردات ماشین آلات، قطعات و لوازم ، مواد اولیه و سایر مواد کمکی و به طور کلی هر نوع صنعتی مورد نیاز برای امور تولیدی و یا برای فروش آنها ، صادرات محصولات شرکت و همچنین انجام هر نوع معاملات بازرگانی و مایعتی به طور اعم در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیصلاح) و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید .

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۸۳۹۹۲۰)

آگهی تغییرات شرکت صنایع تولیدات کاغذی خراسان گلریز شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۳۵۳ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۱۳۱۸۴۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷،۱۲،۰۶ تصمیبات ذیل اتخاذ شد : ماده ۱۲ اساسنامه به این شرح اصلاح گردید : فاصله بین نشر مجمع عمومی و تاریخ تشکیل آن حداقل ۱۰ روز و حداکثر ۳۰روز اعلام نمود.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری مشهد (۸۳۸۰۷۸)

آگهی تغییرات شرکت بهسازان رسیبنا پارس کستر سهامی خاص به شماره ثبت ۴۹۸۴۲۵ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۰۱۹۲۷۰

به استناد صور تجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۹،۰۱،۱۹ تصمیبات ذیل اتخاذ شد : بموضوع شرکت الحاق (تولید و خرید و فروش محصولات غذائی از قبیل انواع سس ، ماکارونی ، انواع رشته های خوراکی ، انواع رب ، انواع کمپوت و کنسرو ، بسته بندی و توزیع آنها در بازارهای داخلی و خارجی و خرید و واردات ماشین آلات، قطعات و لوازم ، مواد اولیه و سایر مواد کمکی و به طور کلی هر نوع صنعتی مورد نیاز برای امور تولیدی و یا برای فروش آنها ، صادرات محصولات شرکت و همچنین انجام هر نوع معاملات بازرگانی و مایعتی به طور اعم در صورت لزوم پس از اخذ مجوزهای لازم از مراجع ذیصلاح) و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید .

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۸۳۹۹۲۰)